



## The evolution of international environmental criminal law in the light of ecotourism criminalization

Nazanin Bazeghi<sup>1</sup>, Abbas Pourhashemi<sup>2</sup>, Davood Hermidas Bavand<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** One of the new issues that poses a serious threat to the international community is eco-terrorism. Ecotourism involves acts that pose a threat to human life as well as endanger the overall use of natural and cultural resources. Our main question is whether actions against the property of expansionists who intervene in nature can be criminalized as terrorism and ecotourism?

**Methodology:** The present study is descriptive-analytical and has benefited from taking notes tools.

**Findings and Conclusion:** Looking at the formation and development of international environmental law in the last four decades, it is clear that the development of international environmental law has been based more than anything on the needs and necessities of human environment. In response to these needs and requirements, international environmental law has sought to oblige governments to adhere to environmental protection by enacting international laws and regulations. Attempts to criminalize these acts under the heading of terrorism face challenges because the traditional concept of terrorism is different from ecotourism, with the former relying on individuals and the latter on property. However, lawyers have tried to criminalize these actions under the title of terrorism, in an attempt to develop the concept of terrorism. In this study, according to the existing legal rules and regulations regarding the crime of environmental terrorism in international law, ecotourism standards are analyzed, reviewed and developed in the light of international environmental law in order to protect the common heritage of humanity and while expressing the existing legal gaps that can be criminalized by examining modern legal systems such as the United States, which seeks to develop the concept of terrorism.

**Keywords:** Destruction, Environment, Violence, Ecotourism, Criminalization.

1. PhD Student, Department of Environmental Law, Faculty of Natural Resources and Environment, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran - President of the Canadian Institute of International Law, Toronto, Canada (Corresponding Author). ahashemy@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law, Theology and Humanities, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

## تحول حقوق کیفری محیط‌زیست بین‌المللی در پرتو جرم‌انگاری اکوتورریسم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۵

نوع مقاله: پژوهشی

نازنین بازغی<sup>۱</sup>

عباس پورهاشمی<sup>۲</sup>

داوود هرمیداس باوند<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از موضوعات جدیدی که جامعه جهانی را با تهدید جدی روبرو ساخته، اکوتورریسم است. اکوتورریسم شامل اعمالی است که هم به عنوان تهدیدی برای زندگی انسان محسوب می‌گردد و هم خسارات کلی ناشی از آن، استفاده انسان از منابع طبیعی و فرهنگی را در معرض خطر قرار می‌دهد. سوال اصلی ما این است اقداماتی که علیه اموال توسعه‌طلبان مداخله در طبیعت رخ می‌دهد، تحت عنوان تروریسم و اکوتورریسم قابل جرم‌انگاری است؟

**روش:** تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار فیش‌برداری بهره‌مند شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** با نگاهی به نحوه شکل‌گیری و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در بیش از چهار دهه اخیر روشن است که توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بیش از هر چیز مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های زیست‌محیطی بشر بوده است. در پاسخ به این نیازها و ضرورت‌ها، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلاش کرده است تا با تدوین قوانین و وضع مقررات بین‌المللی، دولت‌ها را پایبند به حفاظت از محیط‌زیست نماید. تلاش برای جرم‌انگاری این اقدامات تحت عنوان تروریسم با چالش‌هایی روبروست، زیرا مفهوم سنتی تروریسم متفاوت از اکوتورریسم است، چه تکیه نخستین مورد آن بر اشخاص و دومی، بر اموال است. لیکن، حقوقدانان با تلاش برای توسعه مفهوم تروریسم در پی آن بوده‌اند که این اقدامات را با این عنوان - یعنی تروریسم-جرم‌انگاری نمایند. در این پژوهش با توجه به مقررات و قواعد حقوقی موجود در خصوص جرم تروریسم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل، به تحلیل، بررسی و تدوین معیارهای اکوتورریسم در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به منظور حفاظت از میراث مشترک بشریت پرداخته و ضمن بیان خلأهای حقوقی موجود که با بررسی نظام‌های حقوقی مدرن مانند آمریکا که در پی تلاش در توسعه مفهوم تروریسم است، می‌توان اقدامات مزبور را جرم‌انگاری نمود.

**کلید واژگان:** تخریب، محیط‌زیست، خشونت، اکوتورریسم، جرم‌انگاری.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق محیط‌زیست، دانشکده محیط‌زیست و انرژی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران - رییس موسسه تخصصی حقوق بین‌الملل کانادا، تورنتو، کانادا (نویسنده مسئول) ahashemy@yahoo.com

۳. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



مقدمه

به موازات رشد اقتصادی و انقلاب صنعتی در غرب و روند فزاینده صنعتی شدن، محیط زیست در معرض تخریب و دگرگونی قرار گرفت. از یک طرف، وقوع حوادث ناگواری همچون حادثه کشتی توری کانپون ضرورت قاعده‌مندسازی رفتارها و اقدامات را هشدار می‌داد و از سوی دیگر، میل به داشتن محیط زیست سالم و پیشگیری از تخریب و نابودی آن، اعضای جامعه بین‌المللی را به سمت و سوی تدوین و تصویب اسناد حقوقی در این زمینه تشویق می‌نمود و موجبات تدوین و گسترش اصول و قواعد حقوقی الزام‌آور زیست‌محیطی، در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد. با این حال، در کنار رشد حقوق بین‌الملل محیط زیست، دست‌درازی‌ها از جهت متوقف نشده است، و بشر روزبه‌روز در پی استقرار هر چه بیشتر سلطه خود در فضای بین‌الملل شده است. بعد از دست‌اندازی بشر در محیط زیست در راستای بهره‌گیری بیشتر منابع طبیعی در راستای منافع خود، افراد و گروه‌هایی که به طور افراطی از محیط زیست حمایت می‌کردند، به تخریب و عملیات خرابکارانه در مقابل امکانات صنعتی، عملیات جنگل‌داری، پروژه‌های ساخت‌وساز و سایر اهداف اقتصادی در سراسر کشور را آغاز کردند. این افراد که غالباً تحت عنوان اکوتورزیست شناخته می‌شوند، در پی اقدامات این افراد آسیب‌های زیادی وارد شد و میلیون‌ها دلار آسیب‌زده به اموال آسیب زده شد.

حقوق بین‌الملل محیط زیست به منظور قاعده‌مندسازی و پاسخ به اغلب مشکلات زیست‌محیطی منطقه‌ای و جهانی که با آن روبه‌رو هستیم، مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی هوایی مرزگذر، نابودی تنوع زیستی یا آلودگی دریایی به وجود آمده است. همانگونه که اغلب متخصصان این رشته هم‌نظر هستند، معاهدات و اسناد حقوقی نرم به میزان کافی برای مواجهه با اغلب مشکلات زیست‌محیطی منطقه‌ای و جهانی وجود دارند. حقوق بین‌الملل زیست‌محیطی با دنیایی سریعاً متغیر مواجه است که مشخصه‌اش روند شتابزده قدرت سیاسی کاربردی در خارج از ساختار متعارف دولتی، یعنی در سازمان‌های بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای یا در شرکتهای چندملیتی می‌باشد. حکومت اراده بین‌المللی محیط زیست در تلاش است ساختارهای اجرایی توانمند در تغییر دادن مشکلات زیست‌محیطی دائماً متغیر و مدیریت کردن آنها را ایجاد کند (کویو، ۱۳۹۴: ۳۱). شکل‌گیری قواعد عرفی زیست‌محیطی



معمولاً در رویه دولتها رخ می‌دهد. در حقوق محیط‌زیست، چنین قواعدی از طریق اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی مورد شناسایی قرار می‌گیرند. کنوانسیون، اعلامیه، قطعنامه‌ها و رویه‌های بین‌المللی و نیز رویه عملی دولتها نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری عرف‌های زیست‌محیطی خواهند داشت (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۵۴). این که فعالیت‌ها که به عنوان پاسخی خشونت‌آمیز به اقدامات توسعه‌طلبانه بشر علیه محیط‌زیست تلقی می‌شود، تحت چه عنوانی مورد پیگرد و بررسی قرار داده شود، مساله‌ای است که حقوق بین‌الملل با آن روبروست، و سولاتی چند در این باره مطرح می‌شود، از جمله اینکه در مقررات بین‌المللی و یا داخلی کشورها در خصوص چنین اقداماتی مقررات مشخص وجود دارد یا خیر؟ مساله دیگر بررسی این مقوله تحت عنوان اکوتوریسم است. در این مقاله، به بررسی تحول حقوق بین‌الملل در باب جرم‌انگاری اکوتوریسم با نگاهی به مقررات موجود در سایر کشورها و مقررات بین‌المللی خواهیم پرداخت.

## ۱) محیط‌زیست‌گرایی افراطی

امروزه اطلاعات مربوط به تغییرات آب و هوایی «اطمینان‌آور» است: جهان به سرعت در حال گرم شدن است. کلاه‌های یخ قطبی ذوب می‌شوند؛ طوفان دمدمی مزاج دنیای بال‌گوه‌های شدید آب و هوا به وقوع می‌پیوندد. رکورد دماهای بالا موجب تخریب در طبیعت می‌شود؛ افزایش سطح آب اقیانوس ناشی از کلاهک‌های یخ ذوب، موجب فروپاشی کامل کشورهای جزیره و جابجایی ساکنان آنها می‌شود؛ جنگل‌های بارانی - ربه‌های محافظتی زمین - به طور مداوم ویران می‌شوند. سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل اخیراً تغییرات اقلیمی را به عنوان «جدی‌ترین چالش نژادی بشر» توصیف کرده است (U.N. Food & Agric, 2006). تاریخچه اکوتوریسم گویای مبارزاتی علیه موارد متعددی که ظاهراً تخریب محیط‌زیست تلقی می‌شود، می‌باشد؛ برای نمونه، در انگلستان بین سال‌های ۱۹۴۵ تا اواخر دهه ۱۹۶۰ مبارزات علیه جاده‌سازی<sup>۱</sup> محدود شد؛ با این حال، به رغم قدرت احساسات طرفداران جاده، موفقیت‌هایی ثبت شد. حتی در حالی که برنامه بزرگراه در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، اعتراضات

1. anti-road campaigning



علیه M1 مطرح شد و برنامه‌ریزان را مجبور به تغییر مسیر کرد (Starkie, 1982:131). در کشور ایالات متحده نیز وضعیت به این گونه بود که گویی دیدگاه‌های مدرن حقوقدانان در مورد محیط‌زیست به عنوان در معرض خطر از طریق چند مرحله گذرانده شده است. نگرانی در مورد اثرات مضر آلودگی محیط‌زیست و رشد سریع جمعیت بشری در ابتدا توسط بخش کوچکی از فعالان جمعیت در دهه ۱۹۶۰ بیان شد. در دهه ۱۹۷۰، نگرانی‌های عمومی در مورد محیط‌زیست در پاسخ به تراژدی‌های بزرگی افزایش یافت، مانند دریاچه اروی که به علت آلودگی صنعتی و کشف روبرداری سمی در «کانال عشق» در نیآگارا فالز اعلام شده است. دهه ۱۹۷۰ شاهد ایجاد آژانس حفاظت محیط‌زیست و اولین روز زمین در ایالات متحده بود.

در حالی که در دهه ۱۹۸۰، زمان کاهش اقدامات زیست‌محیطی توسط مدیریت ریگان (۱۹۸۱-۸۹) بود، آنها هم‌زمان تحقیقات بیشتری در مورد اجزای محیط‌زیست در معرض خطر و همچنین، رشد فعالیت‌های مردمی بودند. افزایش فعالیت‌های مرتبط با مطالعات علمی توجیه شد و علاقه‌ای تازه به محیط‌زیست در دهه ۱۹۹۰ ایجاد کرد که در جنبش سازمان‌یافته و جهانی در زمینه مبارزه با تغییرات آب و هوایی در قرن ۲۱ به وجود آمد. امروز، تغییرات آب و هوایی، تخریب محیط‌زیست و اثرات فاجعه‌آمیز اقدامات انسانی در محیط‌زیست، مسائل اجتماعی برجسته است، اما آنها همچنین منبع اختلاف بین بخش‌های مختلف جمعیت جهان هستند. (Merchant, 2007:194).

در تاریخ آمریکا، حمایت افراط‌گرایانه از محیط‌زیست به چشم می‌خورد. مقامات آمریکایی مبارزه با تروریسم، کسانی را که به نام محیط‌زیست و حقوق حیوانات اعمال خشونت‌آمیز را تهدیدی جدی برای امنیت می‌کنند، در نظر می‌گیرند. سناتور جیمز اینفئنه در شهادت‌های کنگره بیش از چند سال پیش از ۲۰۱۲، اشاره کرد که بازیگران رادیکال وابسته به جبهه آزادی‌بخش زمین و جبهه آزادی‌بخش حیات بیش از ۱۱۰ میلیون دلار در بین سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵ خسارت ایجاد کرده‌اند. از آن زمان، اعضای جنبش رادیکال محیط‌زیست همچنان به نقاط برجسته از منظر تروریسم داخلی پرداختند. (Countering Eco-Terrorism in the United States, 2012: 2)



اکوتروریسم به طور چشمگیری می تواند به عنوان پایان غلط دیدگاه محیط زیست از قانون محیط زیست دیده شود. قانون محیط زیست کسانی را که بر محیط زیست عمل می کنند، برای تطبیق اقدامات خود با الگوی رفتاری حکومت داری می کنند. اکوتروریستها تلاش می کنند که همین کار را انجام دهند، اما به جای استفاده از راه قانونی تغییر قانونگذاری، تلاش می کنند تا از طریق ابزار غیرقانونی ترس و تخریب اهدافشان را انجام دهند. از آنجایی که قانون اکوتروریستها به دنبال تمایز بین آنهایی هستند که با اجبار دیگران را تحمیل می کنند، به اهداف محیط زیستی و بین کسانی که با استفاده از وسایل اجباری به منظور هدف قرار دادن گروه های مشابه که توسط قانون محیط زیست حمایت می کنند، تفاوت قائل شود، قوانین اکوتروریسم و قانون زیست محیطی باید به طور طبیعی متصل شوند. (Dara, 2007: 95-96). در حالت ایده آل، قوانین اکوتروریستی که افراد را مجبور به انجام یک کار می کنند، برای مثال، جلوگیری از فعالیت های تروریستی در محیط زیست، در نتیجه، فعالان را تشویق می کند که به دنبال ابزار قانونی برای اهداف محیطی خود باشند. به همین ترتیب، اگر قانون محیط زیست به انجام یک امر وادار کند، این به معنای محافظت از محیط زیست از کسانی که بر آن تاثیر می گذارند، باشد، این نیز باید فعالان را تشویق به دنبال ابزار قانونی برای اهداف محیطی خود کند. قوانین مقابله با اکوتروریسم اگر بخواهند موفق باشند، باید با توجه به قانون محیط زیست و پتانسیل آن باشد (Dara, 2007: 95-96).

## ۲) جرم انگاری اکوتروریسم مقابله با محیط زیست گرایبی افراطی

قوانین که مجازات و یا جلوگیری از فعالیت اکوتروریسم مشخص می کند، متمایز کننده بین فعالیت های انجام شده برای اهداف اکوتروریسم هستند؛ یعنی اعمال زور بر روی محیط زیست، و همان فعالیتی که برای هر هدف دیگر انجام می شود. هدف اصلی مقررات اکوتروریسم حفاظت از محیط زیست است. آنچه که اکوتروریسم را از محیط زیست گرایبی عادی متمایز می کند، اعتقاد به انجام هر آنچه که لازم است برای از بین بردن فعالیت یا پروژه ای که از نظر آنها، زیان آور یا تهدیدی برای محیط زیست باشد.

به طور خاص، اکوتروریسم قصد دارد که از طریق ترس و آسیب های اقتصادی،



«نقض کنندگان» محیط‌زیست رفتار خود را متوقف کنند. روش‌های متعددی برای مبارزه با اکوتوروریسم وجود دارد. از آنجا که اکوتوروریسم یک پدیده نسبتاً جدید است و اکوتوروریست‌ها بی‌ثبات بوده‌اند، داده‌های بسیار سختی وجود دارد که نشان می‌دهد هر یک از روش‌های خاص به درستی فعالیت‌های اکوتوروریسم را محدود می‌کند. اغلب، دولت‌ها همانند هر گونه جرم دیگر به عنوان اکوتوروریسم در نظر گرفته می‌شوند، به دنبال پیگرد قانونی تحت قوانین کیفری موجود مانند سوء قصد و تخریب اموال هستند. این رویکرد اولویت را اجتناب می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود که اصلاحات اولویتی مطرح شده توسط پتانسیل قانون زیست‌محیطی برای تمرکز بر روی قصد، و همچنین از برچسب «ترفندهای التهای» و خطر دادن اکوتوروریست‌ها که توانایی توجه را دارند، اجتناب شود.

برخی از اعمال اکوتوروریسم تحت قانون جزای فدرال محکوم شده‌اند، گاهی اوقات با استفاده از جنبه‌های سازمانی گروه‌های اکوتورور برای جلوگیری از پیگرد قانونی تحت قوانین RICO. بدون توجه به افراط‌گرایان محیطی که دارای انگیزه اقتصادی هستند، RICO می‌تواند در هر وضعیتی که در آن یک سازمان نشان داده است که در برخی از شرکت‌هایی که بر تجارت بین‌الملل تأثیر می‌گذارد، اعمال شود. در حالی که این رویکرد، هر دو مجازات‌های کیفری و پرداخت خسارت را به اشخاصی که تحت تأثیر اکوتورور قرار می‌گیرند، اعمال می‌کند، در عین حال نگرانی‌هایی نیز مطرح شده است که مسئولیت سازمانی به جای تضعیف اکوتورور، اقدام به تشویق آن می‌کند. از آنجایی که گروه‌های اکوتورور، مانند ELF، تنها به صورت سازمانی موجود هستند، گروه‌های محیطی باز ممکن است با مسئولیت‌های سازمانی مواجه شوند، و معترضان به دنبال گروه‌های کمتر مخاطره‌آمیز هستند. در عین حال گروه‌های محیط‌زیست افراطی زیرزمینی به عنوان تنها ابزار موثر اعتراض به محیط‌زیست را افراط و خشونت می‌دانند. (Carson Eddy, 2005: 261)

برای اینکه زمینه جرم‌انگاری اقدامات خشونت‌آمیز علیه اموال به قصد حمایت از محیط را فراهم کنیم، با دو دسته اعمال متضاد روبه‌رو هستیم: از یک طرف، با این موضوع که چه مسائلی کمک می‌کنند که این اقدامات خشونت‌آمیز تحت عنوان اکوتوروریسم جرم‌انگاری گردند و مساله دیگر آن است که موانعی در این مساله وجود دارد. حقیقت آن است بن‌مایه



این دو مساله در دو وضعیت خلاصه می شود. در حالت فرصت برای جرم‌انگاری کردن این اعمال، می توان به اهمیت محیط‌زیست و نقش آن در نگرانی‌های کنونی جوامع و دولت‌ها اشاره کرد؛ جایی که یک اراده جهانی برای حمایت از تروریسم به وجود آمده است و سال به سال به تعداد کنوانسیون‌هایی که به حمایت از محیط‌زیست می پردازند، اضافه می شود؛ ولی مساله دیگر بحث مفهوم تروریسم است، به این معنا که برخلاف معنای تروریسم در حالت سنتی آن که محوریت، اقدام علیه اشخاص است، در اکوتوریسم اموال مورد خشونت واقع می شوند و همین مساله تهدیدی شده است برای جرم‌انگاری کردن اقدامات اکوتوریسم.

### ۳) چالش‌های جرم‌انگاری اکوتوریسم

هرچند تمامی اشخاص قادر به ارتکاب جرائم زیست‌محیطی اند، اما واقعیت آن است که امروزه در پس لابی‌های قدرت ثروت، بزه‌های زیست‌محیطی مهم را بنگاه‌ها و شرکت‌های قانونی، سندیکاهای مجرمانه سازمان یافته و دولت‌ها مرتکب می شوند، بی آنکه در قبال اقدامات تخریب‌گرانه خود مسؤولیتی را بر عهده داشته باشند. آلودگی‌های صنعتی و نفتی، آلودگی هوا، انتشار آب آشامیدنی آلوده، زوال تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی، نقل و انتقال و فروش غیرقانونی زباله‌های سمی و مبادله غیرقانونی مواد هسته‌ای یا رادیواکتیو از جمله این بزه‌ها می باشند که توسط بزهکاران یقه سبز علیه محیط‌زیست صورت می گیرد. در واقع، بزه‌های زیست‌محیطی از جمله بزه‌هایی می باشند که رابطه تنگاتنگی با جرائم دولتی دارد و از این جهت که دولت‌ها و کارگزاران آنها مرتکب این جرائم می شوند، غالب رفتارهای مخرب محیط‌زیست جرم‌انگاری نشده و در صورت جرم‌انگاری نیز، مقرراتی جهت پیگرد بزه کاران یقه سبز پیش‌بینی نشده است. بنابراین، از منظرگاه علم جرم‌شناسی سبز، رفتارهای مخرب زیست، حتی اگر در قوانین کیفری نیز جرم‌انگاری نشده باشند، را نیز باید جرم دانست، زیرا این قدرت است که تعیین می کند جرم‌های قدرتمندان باید از پوشش جرم‌انگاری‌های دولتی (یعنی رفتارهایی که قانونگذار آنها را جرم می شناسد) بیرون مانده و برعکس، زیان‌دیدگی‌های برخاسته از این «جرم‌های جرم‌انگاری نشده» باید کوچک و کم‌اهمیت انگاشته شوند. به این ترتیب، بحث از جرم‌انگاری پیش می آید، منتها مساله اساسی این است که از آنجا که این





افراد اغلب دولتی یا وابسته به نهادهای دولتی هستند، جرم‌انگاری خاصی در قبال رفتارشان صورت نمی‌گیرد و یا اینکه خود دولت دست به سیاست‌های جرم‌انگاری پوپولیستی می‌زند یا اینکه افرادی که حفاظت از محیط‌زیست را تحت هر شرایطی از جمله اعمال خشونت در نظر دارند، به مقابله بر می‌خیزند.

یکی دیگر از چالش‌های مهم فراروی جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل در مورد مساله تروریسم، ارائه تعریف مناسب از آن است (سیمبر، ۱۳۸۱: ۷۱). هر چند که جامعه جهانی از دیرباز به اقدامات تروریستی و خشونت‌بار به عنوان پدیده‌ای نابهنجار و غیر انسانی، که به طور جدی دموکراسی و آزادی‌های عمومی را به خطر می‌اندازد، نگرسته است (صادقی حقیقت، ۱۳۸۱: ۸۲)، با این حال هیچ یک از معاهدات بین‌المللی موجود در زمینه تروریسم تعریفی جامع و مانع از این پدیده ارائه نشده است، و از این رو، جای هیچ تعجبی نیست که جامعه بین‌الملل از حیث نوع واکنش متخذه توسط کشورهای قربانی تروریسم دچار تفرقه باشد. منشور سازمان ملل متحد نیز نسبت به تروریسم ساکت است، زیرا از یک سو در هنگام تصویب منشور ملل متحد اعمال تروریستی ابعاد گسترده‌ای نداشت و بالتبع، آثار آن مورد توجه جامعه جهانی قرار نگرفت و از سوی دیگر، در بسیاری از موارد، گروه‌هایی به اقدامات خشونت‌بار متوسل می‌شدند که طالب‌هایی از استعمار بودند و شاید اقداماتشان از نوع مشروعیت بین‌المللی برخوردار بود (سیمبر، ۱۳۸۱: ۷۴).

تلاش برای شناسایی و به رسمیت شناختن تروریسم در عرصه بین‌المللی از سال‌ها قبل آغاز شده است و در مراحل مختلف تاریخی به صورت‌های گوناگون جلوه نموده است. با افزایش اقدامات تروریستی به ویژه پس از پایان جنگ جهانی اول، توجهات بین‌المللی به جنبه‌هایی از حقوق کیفری که بتواند موضع دامن‌گیر جامعه جهانی را پاسخ دهد، جلب شد. یکی از نخستین اقدامات در راستای همین توجیهات در کنفرانس بین‌المللی، یکسان‌سازی حقوق جزا صورت گرفت. نخستین کنگره بین‌المللی حقوق جزا در فاصله ۲۶ تا ۲۹ جولای در ۱۹۲۶ بروکسل برگزار گردید و پیشنهاد برگزاری یکی سری از کنفرانس‌های بین‌المللی برای یکسان‌سازی حقوق جزا را مطرح کرد. نخستین کنفرانس در فاصله اول تا پنجم نوامبر ۱۹۲۷ در ورشو برگزار شد. در پایان این کنفرانس متنی با ۸ ماده تحت عنوان جرایم علیه



حقوق بین‌الملل به عنوان دستاورد در این کنفرانس تهیه شد (صادقی حقیقت، ۱۳۸۱: ۲۳۱). در قسمت «ع» از ماده ۶ این متن ۸ ماده‌ای، استفاده‌عامدانه از هر وسیله‌ای که بتواند خطر عمومی را ایجاد کند، تحت عنوان رفتارهایی که باید مورد مجازات قرار گیرند معرفی شد. این متن به تروریسم اشاره‌ای نکرد و اساساً هدف این کنفرانس، تبیین اصول کلی حقوق کیفری در ارتباط با رفتارهای قابل مجازات بود. با این حال، در ماده ۶ آن می‌توان دو رکن اصلی و اساسی تروریسم را، مطابق تلقی امروزی آن، به وضوح مشاهده کرد؛ نخستین مورد پذیرش ارتکاب بعضی از رفتارهای خشونت‌آمیز و خطرناک در خارج از حوزه مرزهای سیاسی است که یکی از اجزای اصلی تروریسم در عرصه بین‌المللی را شکل می‌دهد و دیگری، اشاره به ایجاد خطر عمومی به عنوان عاملی است که می‌تواند خشونت و خطر را بین عموم منتشر کند (صادقی حقیقت، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

تروریسم پدیده‌ای است که در قرن بیست و یکم به موازات رشد یافته‌های علمی، از پوسته شیوه کهن خود خارج شده و در پوسته شیوه‌های نوین درآمدی است و اسناد و منشورات بین‌المللی هر یک بی‌آنکه تعریف واحدی از آن ارائه دهند، و بی‌آنکه آن را از تلاش نهضت‌های آزادی‌بخش باز شناسانند و یا حتی به ریشه‌یابی علل و عوامل آن بپردازند، به وضع مقررات برای آن اقدام کردند.

تروریسم در اسناد سازمان ملل، در کنوانسیون مبارزه با بمب‌گذاری تروریستی، در کنوانسیون بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم، در اسناد اتحادیه اروپا، در اسناد سازمان کنفرانس اسلامی همگی بیان شده است، ولیکن در تمامی موارد باید توجه داشت که تروریسم را نباید با مواردی دیگر در هم آمیخت؛ برای نمونه، تروریسم را می‌توان از مبارزات آزادی‌بخش متمایز کرد. حال سوالی که مطرح می‌شود، آن است که تخریب‌های شدیدی که توسط طرفداران محیط‌زیست علیه کسانی که از دید آنها متجاوز به طبیعت قلمداد می‌شوند، با چه معیاری می‌توان به تروریسم نزدیک کرد.

استفاده از تروریسم در طول دوره‌های تاریخی معمولاً در ارتباط با یک مشکل یا درگیری سیاسی، فرهنگی یا مذهبی درک می‌شود. وضعیت در معرض خطر محیط طبیعی ممکن است مهمترین مسئله امروز ما باشد. در سراسر جهان، افراد و سازمان‌هایی که تخریب



محیط‌زیست را تهدید به بقای خود، خانواده‌های خود و یا ملت خود می‌کنند، از خود واکنش بروز می‌دهند و اقداماتی می‌کنند و چنین اقداماتی می‌تواند طیف گسترده‌ای داشته باشد. تهدیدکننده‌ترین شکل آن تروریسم است. این تغییراتی که به دلیل تغییر محیط‌زیست باعث تغییراتی در زندگی افراد شده است، باعث انجام این اقدامات شده که ممکن است به طور فزاینده‌ای به عنوان پیوندی با تروریسم هم در داخل کشور و هم در حیطه بین‌الملل در نظر گرفته شده باشد (Cummings, McGarvey, Vinch, 2006).

اینکه چه عاملی باعث می‌شود که اکوتروریسم محقق شود، جای بحث و گفتگو دارد. نظم کنونی بین‌المللی، مساله‌ای است که نگرش‌های متفاوتی با رویکردهای مختلف با آن برخورد کرده و آن را به بحث گذاشته‌اند؛ هر کدام از این رویکردها نظم فعلی را به طرق مختلفی قضاوت کرده، برخی آن را مدح کرده و آن را بهترین حالت ممکن در نظر گرفته‌اند، عده‌ای آن را پایان تاریخ تصور کرده، صورتی جایگزین برای آن را غیرممکن دانسته‌اند و عده‌ای نیز در عین سخن از ضرورت وجودش، این نظم را نیازمند نقد فراوان یافته‌اند. در این میان، نگرش آنارشسیم، حالتی خاص را دارد؛ از سویی، عده‌ای در حوزه روابط بین‌الملل آنارشی را وصفی برای نظم کنونی در نظر گرفته‌اند و از سوی دیگر، بسیاری سخن گفتن از آنارشسیم و نفی حکومت را غیرواقعی دانسته و ایده‌های آنارشسیم را خیال‌پردازی پنداشته‌اند (طاهرخانی، ۱۳۹۵: ۱).

شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ مکتبی -جز لیبرالیسم- همچون آنارشسیم در ایران مورد سوء تعبیر و تهمت و ناسزا قرار نگرفته است. دولتها و مجلسیان آن را مترادف اغتشاش کامل دانسته‌اند و طرفه آن که برخی از اندیشمندان نیز با آنان همصدا شده‌اند. در مارکسیسم این واژه متضمن همین معنی است. در حالی که آنارشسیم در اصل نفی‌کننده هر گونه «قدرت» است و چون بسیاری از نویسندگان نیز، چه آشنا و چه غیر آشنا با سیاست، مخالف قدرت‌اند، از طرف مارکسیست‌ها طرفدار بی‌نظمی و آشوب قلمداد شده‌اند؛ چنان که سالها پیش در ایران جزوهای برای معرفی ایبسن معروف منتشر شد با عنوان «ایبسن آشوب‌طلب!» در حالی که این هنرمند فقط با قدرت یافتن حکومت مخالف بوده است، بخشی از بار این گناه به دوش خود آنارشییست‌ها هم هست؛ زیرا متوجه تناقضی بزرگ در کار خود نیستند:



از طرفی، خواهان «ساختن نظمى نو و خردپذیر براساس آزادی و همبستگی» هستند و از طرف دیگر، مدیحه‌سرای «بزرگترین بنای عظیم بی‌نظمی و بی‌سازمانی، در حد اعلای خود، فراسوی آن جهش غول‌آسای انقلابی». البته، این نظر کسانی چون پرودن و یاکونین است که به‌پیریزی طرح فلسفی آنارشیسم پرداخته‌اند، وگرنه بسیاری از شاعران فقط مخالف هر گونه وجود قدرت‌اند و بس. مثلاً تولستوی جزء آثارشیست‌هاست، ولی مطلقاً با آشوب و انقلاب میانه‌ای ندارد (رحیمی، ۱۳۸۰: ۸۶).

سوالی که مطرح می‌شود، این است که اساساً اقدامات اشخاصی که به حمایت از محیط‌زیست دست به اقدامات مخربانه می‌زنند را می‌توان آنارشیست نامید و آن را جرم‌انگاری کرد؟ می‌توان رفتارهای اکوتروریست‌ها را در قالب آنارشیست تجزیه و تحلیل کرد. در ایده طرفداران این مکتب، هیچ کس نباید خواهان ویرانگری و ویرانی باشد، مگر آن که دست کم رؤیایی و تخیلی دور، درست یا نادرست، از نظم اموری که به عقیده او باید جانشین وضع کنونی شود، در سر داشته باشد. هر چه این تخیل زنده‌تر باشد، نیروی ویران‌کننده‌اش قوی‌تر خواهد بود. و هر چه او به حقیقت نزدیک‌تر باشد، یعنی هر چه بیشتر بار شد ضروری جهان اجتماعی کنونی هماهنگ باشد، نتایج عملی ویرانگری‌اش سالم‌تر و مفیدتر خواهد بود. آرمان مثبت، الهام‌بخش نخستین و روح عمل ویرانگری است (bakounine, 1965: 258).

برای تروریسم می‌توان شاخصه‌هایی را در نظر گرفت و پس از طرح شاخصه‌های از معیارهای تروریسم نیز سخن گفت. «تروریسم دربردارنده یک هدف و غایت سیاسی است؛ بر اساس خشونت، و یا وحشت استوار شده است. تروریسم به منظور ایجاد وحشت در مخاطبان، که غیر از بزه‌دیدگان مستقیم هستند، طراحی می‌گردد. چنین خشونتی بایستی از سوی یک سازمان یا یک فرد به صورت برنامه‌ریزی‌شده صورت گیرد. لاقلاً یکی از بازیگران تروریسم، خواه مرتکبان، بزه‌دیدگان یا هر دو، اشخاصی غیردولتی هستند و در پایان، اینکه تروریسم خشونتی است که برای تخریب یا ساختن قدرت در وضعیتی که این قدرت رو به افول است، طراحی می‌گردد؛ بدین معنا که اقدامات خشونت‌آمیز تروریستی در پی آن هستند که مبنای قدرت عاملی که از تکاب این اعمال را برعهده می‌گیرد، تقویت کند.» (Claridge, 1996: 47).



با وجود آنکه در پی برهم‌زدن نظم ناشی از قدرت مطلق هستند، چالش‌هایی برای جرم‌انگاری به این نحو برای آنها وجود دارد. نخست آنکه تروریسم در معنای معمول خود، به اقدام علیه افراد و جان آنها می‌پردازد، در حالی که هدف اقدامات مخرمانه اکوتروریست‌ها، اموال است، نه اشخاص. عنصری که در تعریف تروریسم می‌بایستی به آن توجه داشت، رفتار مادی آن است که عبارتست از خشونت یا تهدید به خشونت، زیرا توسل به خشونت به منظور ایجاد رعب و هراس جزء لاینفک هر نوع عملیات تروریستی است. از این جهت، نابودی اموال توسط اکوتروریست‌ها به منظور ایجاد رعب و وحشت در دل مالکان به منظور جلوگیری از ادامه اقدامات متجاوزانه در طبیعت است. از این جهت، این اقدامات واجد جنبه خشونت است. در تعریف دیگر، شکلی از اقدامات خشونت‌بار دولتی یا غیردولتی را که با هدف جلب توجه بین‌المللی به یک روند بی‌عدالتی - خواه واقعی یا خیالی - انجام می‌گیرد، تروریسم نامیده‌اند (جفری، ۱۳۷۴: ۲۶).

در زمینه موضوع خشونت و عوامل پدید آمدن آن، دو دسته نظریه از سوی نظریه‌پردازان اجتماعی و سیاسی ارائه شده است: گروهی خشونت ناشی از عوامل درونی و ذاتی انسان می‌دانند. ماکیاولی و هابز با احساس بدگمانی نسبت به درستی جوامع بشری و طبیعت انسانی، تهدید و خشونت را از اقدامات طبیعی انسان و ناشی از منافع شخصی می‌دانستند. امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، نیز خشونت و جنایت را یک پدیده اجتماعی عادی تلقی می‌کند که ناشی از عکس‌العمل طبیعی افراد در جامعه است (پنتاتل، ۱۳۴۵: ۳۲).

گروه دوم دلایل بروز خشونت را در عوامل بیرونی و محیطی جست‌وجو کرده و آن را یکی از ویژگی‌های موجود زنده برای حفظ بقای خویش در برابر تحریکات خارجی می‌دانند. در این میان، اگرچه برخی از اینان بر عامل ژنتیک نیز تأکید می‌ورزند، بسیاری دیگر با ضعیف دانستن عامل ژنتیک، دلیل اصلی را در مسائل محیطی و پیرامونی جست‌وجو می‌کنند. از نگاه فروید، رفتار پرخاشگرانه افراد را می‌توان تحت تأثیر دو گزینه مرگ و زندگی و در راستای حفظ موجودیت توجیه کرد. مارکس با ارائه الگویی دووجهی برای خشونت و ستیز اجتماعی، از منافع سرمایه و کار در این زمینه سخن می‌گوید و نتیجه آن را گسترش خشونت در جامعه می‌داند (آبرکرامبی، ۱۳۶۷: ۸۶).



در نهایت، برخی دیگر از جامعه‌شناسان مانند ویلفردو پاره<sup>۱</sup> و پیتیریم<sup>۲</sup> سوروکین خشونت‌های تولیدی را تحت تأثیر سرکوب امیال و غرایز تحلیل کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۴۲). و گروهی دیگر، این پدیده را بر مبنای رابطه میان توقعات اجتماعی و میزان ارضای آنها تعریف می‌کنند.

با توجه به این نظریه‌ها می‌توان محروم شدن گروه‌ها و جوامع تحت سلطه قدرت‌های استکباری از حق آزادی، رفاه، عدالت و تحمیل انواع محرومیت‌ها بر آنان را موجب انباشته شدن خشونت علیه منبع محرومیت تحلیل کرد. به عقیده جامعه‌شناسان، حتی اگر این افراد منبع محرومیت را به درستی نشناسند، به هر طریقی ممکن است خشونت خود را ابراز کنند، چنانکه در دوره‌های نخستین صنعتی شدن، محرومیت ناشی از فقر و بی‌عدالتی، گاه به صورت رفتارهای خشونت‌آمیز کارگران علیه تجهیزات و ماشین‌آلات کارخانه‌ها بروز می‌یافت و به تخریب گسترده آنها می‌انجامید (ملک‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۸۰).

یکی دیگر از چالش‌های جرم‌نگاری اکوتروریسم، تطبیق انگیزه‌های اکوتروریست‌ها با تروریسم سنتی است. یک جنبه از کشمکش مداوم بر سر تعریف تروریسم، به این سؤال مرتبط می‌شود که چرا مردم دست به اقدامات خشونت‌آمیزی که تروریسم توصیف می‌گردد، می‌زنند. در حالی که مجموعه متنوعی از انگیزش‌ها در ورای خشونت تروریستی شناسایی شده است، مباحثات درباره انگیزه‌ها غالباً مبدل به استدلال‌هایی در مورد توجیهات اخلاقی برای کاربرد خشونت می‌گردد. توجیهات در مورد خوب یا بد، درست یا غلط، بیگناه یا گناهکار، رزمنده راه آزادی یا تروریست، از دیدگاه تعریفی، نامربوط بوده و به جای انسجام به انشقاق در زمینه تعریف، تمایل دارند. سیاست مربوط به مشروعیت آرمان ممکن است چندان ارتباطی با رفتار و یا انگیزه رفتار نداشته باشد. باید قبل از قضاوت در مورد این‌گونه از رفتارها، به شناسایی و طبقه‌بندی رفتار پرداخت. به دیگر سخن، باید پیش از پیگیری خصوصیات، به طبقه‌بندی پرداخت. با گذر از لفاظیها، هدف اغلب جنبش‌های تروریستی بین‌المللی، سیاسی است. تلاش تروریست‌ها برای تحصیل اثبات منافع خودشان در فرآیند

1 . Vilfredo Pareto  
2 . Pitrim Sorokin



پیچیده تصمیم‌گیری، همان فرآیند سیاست است، یعنی این‌که چه کسی چه چیزی را، در چه هنگام و چگونه بگیرد. آنها به دنبال وادار ساختن دولت‌ها و نهادها به منظور توجه آنها به بی‌عدالتیهای واقعی یا متصوره اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده و یا به دنبال تأثیر نهادن بر وضعیت خود در محیط پیرامون‌شان می‌باشند.

از جمله عوامل بی‌ثباتی در قرن بیست و یکم، الهیات رادیکال و خشونت مذهبی است. این نوع از الهیات، از ایدئولوژی مذهبی رادیکال به مثابه ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می‌کند. بر همین اساس، بارزترین وجه تمایز تروریسم نوین، تأکید آن بر مذهب است (Brown, 2007: 31). در واقع، انگیزه‌های مذهبی به‌عنوان اصلی‌ترین ویژگی تروریسم نوین شناخته می‌شود که سیستم ارزشی نوین، مکانیزم مشروعیت‌بخشی نوین و جهان‌بینی نوین را به وجود می‌آورد (Copeland, 2001: 95). مثال‌هایی از تروریسم در همه سنت‌های مذهبی پیدا می‌شود. هیچ مذهبی را نمی‌توان به‌عنوان تنها مذهب تروریستی برشمرد (juergensmeyer, 2005: 208). در واقع، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود که به تدریج فاکتور مذهب در مناسبات سیاسی نقش بارزتری پیدا کرد و این امر، در همه مذاهب و کشورها دیده می‌شود.

تروریستها به‌ندرت به نحو کامل، خارج از هنجارها و ارزشهای جامعه عمل کرده و برای منطقی ساختن رفتار خود به زحمات بزرگی گرفتار می‌آیند. تروریستها، از طریق تدوین منشورها و بیانیه‌ها و یا ایجاد سازمانهای سیاسی نیمه‌مشروع مانند شین فین و یاسوکورو پاپیولار تلاش می‌کنند تا اقدامات خود را در چارچوب هنجارهای جامعه توجیه نمایند. برخی بر انگیزه‌های جنایتی تروریستها پا می‌فشارند؛ با این همه، در بیشتر موارد، فعالیت جنایتکارانه انگیزه اولیه نبوده و صرفاً نتیجه اقدامات آنها می‌باشد.

اما انگیزه اکوتروریستها مذهبی نیست، سیاسی هم نمی‌باشد. انگیزه آنها تنبیه کسانی است که به زعم این گروه در طبیعت به صورت افراط‌گرایانه به منظور بردن نفع بیشتر دست‌درازی می‌کنند و از این حیث، تفاوتی آشکار با آنچه در ایده‌های مذهبی تروریستها وجود دارد، مطرح است.

مقوله دیگر آن است که در تروریسم به معنای سنتی آن، اهداف آن اشخاص مشخصی



نیستند، بلکه افراد بی‌گناه به عنوان اشخاصی که تحت حمله قرار می‌گیرند، مورد آسیب و وحشت قرار می‌گیرند؛ در حالی که در اکوتروریسم این وضعیت مشاهده نمی‌شود.

#### ۴) توجیه جرم‌انگاری اکوتروریسم

تروریسم در معنای سنتی آن، یک رفتار مخربانه و هلاک‌کننده علیه اشخاص است، حال آنکه اکوتروریسم فاقد این وضعیت است و محور اعمال مخربانه بر روی اموال است، نه اشخاص. به این ترتیب، چگونه می‌توان اکوتروریسم را توجیه کرد؟ به عبارت دیگر، پرسش همین است که آیا اقدامات مخربانه علیه اموال با هدف حمایت از محیط‌زیست می‌تواند وجهی از تروریسم را در خود داشته باشد؟

تا آنجا که ما در باب ماهیت اخلاقی این جرایم اطلاع داریم، پاسخ پرسش منفی به نظر می‌رسد و اینکه چگونه ما آن را با دیگر تاکتیک‌های تغییر اجتماعی مقایسه می‌کنیم؟ برای پاسخ دادن به این سوالات (و در نتیجه، تعریف این اصطلاح، یعنی تروریسم)، ابتدا باید جرم خاصی را که در اعمال تروریستی وجود دارد، شناسایی کنیم؛ که در بخش‌های قبلی مقاله از ابعاد مختلف تروریسم بحث کرده‌ایم. باید اضافه کنیم بر اساس تئوری «جنگ به تنهایی»<sup>۱</sup> از مایکل والزر،<sup>۲</sup> تنها تهدید خشونت ممکن است تروریسم را تشکیل دهد، تا زمانی که تهدید به اندازه کافی قابل لمس باشد و به سمت اهداف عمومی هدایت شود که این امر در مقابل اهداف و منافع خصوصی است و در مورد کسانی که ممکن است مشابه تروریست باشند، اما با اثر اخلاقی متفاوت (که اثر اخلاقی گروه دوم حفظ و حراست از محیط‌زیست باشد). خواه این خشونت‌ها به واقعیت بپیوندند یا تهدید باشند، اینکه آیا این خشونت‌هایی که علیه اموال است، برابر با خشونت علیه افراد قلمداد شود که مساله‌ای است که باید به آن پاسخ دهیم، اما باید اذعان داریم که تروریسم منحصراً آن اعمالی نیست که به صورت خشونت واقعی رخ داده باشند، که به صراحت در مواردی که علیه اشخاص به کار گرفته می‌شود، این امر غلط می‌باشد. اما این خشونت‌ها که در آینده بخواهد اتفاق بیفتد و تهدید به انجام آن در آینده می‌کنند،

1. justwar theory

2. MichaelWalzer





که ممکن است لزوماً به برخی از اقدامات اولیه خشونت نیاز نداشته باشد تا این ترور مشخص را تولید کند، هر چند یک حمله تروریستی موفق مطمئناً خطر ابتلا به خشونت‌های آینده را به یک جمعیت هدفمند تبدیل می‌کند.

به علاوه، هر اقدام تروریستی دو هدف دارد: هدف اولیه و هدف ثانویه. هدف اولیه همان گروهی است که به صورت واقعی، جرم و خشونت علیه آنها اتفاق می‌افتد و گروه دوم هم همان اشخاصی هستند که تهدید به خشونت آینده می‌شوند که منجر به ایجاد وحشت مشخص می‌شود، اما نگرانی منحصر به نسبت به گروه اول، بلکه به گروه دوم است. اگر تهدید به انجام در آینده وجود نداشته باشد، این امر تفاوتی با قتل یک جمعیت ندارد (نمی‌توان آن را دیگر منحصرأ تروریسم نامید).

در واقع، مساله‌ای که در باب اکوتروریسم مطرح می‌شود، آن است که آیا هدف دوم به قدر کافی مورد تهدید واقع شده است در زمانی که هدف مورد تهدید در آینده اموال است، نه اشخاص که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

در تروریسم اهداف به صورت مشخص نبودند، بلکه اهداف مردمان بی‌گناه بودند. البته، این امر لازم است چون که اگر کسانی که بیگناه نیستند، مورد حمله واقع شوند، مانند استعمارگران یا ارتش متجاوز، در این صورت اینها هم وارد تعریف می‌شدند. اگر شرایط برای انتخاب تصادفی جمعیتی وجود نداشته باشد (مشابه حالتی که در ترورهای هدفمند افراد براساس معیارهایی که جمعیت‌های بزرگتر را شامل می‌شوند، مانند عضویت در یک دولت وجود دارد)، جمعیت بزرگتر نمی‌تواند با هدف تبدیل شدن به قربانی بعدی کمپین تروریستی مناسب باشد. در حالی که اشتباهات اقدامات تروریستی بستگی به این نکته دارد که قربانیان آن سزاوار آسیب‌ها تهدیدهایی هستند که به آنها می‌رسد، کارایی آن در تهدید یک جمعیت بزرگتر به شرایط تصادفی تبدیل می‌شود. در خصوص اکوتروریسم هم باید گفت که اقدامات خرابکارانه تنها اموال مجرمان خاص و اموالی که در تخریب زیست‌محیطی به کار روند را مورد هدف قرار می‌دهد. در نتیجه، بحث تصادفی بودن در خصوص اکوتروریسم مطرح نیست. بنابراین، در اکوتروریسم نه تنها افراد نباید نسبت به جان خود بترسند، بلکه افراد غیر آن افراد مشخص که در تخریب محیط‌زیست دستی ندارند، نسبت به اموال خود نیز نباید هراسی به خود راه بدهند.



جنبه‌های اخلاقی تروریسم از این حیث که عمداً در پی آسیب زدن یا تهدید به آسیب افراد بی‌گناه است، به عنوان یک اصل استاندارد غیرقانونی به حساب می‌آید.

در خصوص این موضوع که آیا می‌توان برچسب تروریسم را به اقدامات مخربانه گروه ELF زد یا خیر، سوالی که مطرح می‌شود، این است که آیا افراد واقعی باید اهداف اولیه یا ثانویه حملات تروریستی باشند یا اینکه آیا این اصطلاح باید شامل همه نوع انگیزه‌هایی باشد که ممکن است غیرقانونی برخی از افراد هدفمند را به پذیرش مجموعه‌ای از مطالبات عمومی تحمیل کند. حتی اگر تعریف متعارف تروریسم میان خشونت یا تهدید به خشونت نسبت اشخاص و اموال تفکیک قائل شود، این تفکیک و تمایز می‌بایستی با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

تصور کنیم که تعریف تروریسم، شامل اقدامات خشونت‌آمیز علیه اموالی باشد که در آن اشخاص به نحو فیزیکی به عنوان هدف اول یا رسیدن در قالب هدف ثانویه قرار نگیرند، اما منافع اقتصادیشان مورد هدف قرار می‌گیرد.

در حقیقت، تعریف قانونی تروریسم در قانون ایالات متحده به عنوان بخشی از قانون PATRIOT 2001 ایالات متحده، به طور قابل توجهی گسترش یافته است که شامل بسیاری از حملات علیه اشیای بی‌جان می‌شود؛ که در آن تروریسم به طور کلی، یک عمل است که محاسبه می‌شود تا بر حکومت توسط ارباب یا اجبار تاثیر بگذارد و یا به اقدامات تلافی‌جویانه علیه دولت دست بزند (Vanderheiden, 2005: 429).

این قانون لیست گسترده‌ای از جرایم خاص را به جرایم فدرالی تروریسم افزوده است، از جمله آتش‌سوزی در محدوده صلاحیت دریایی و منطقه‌ای خاص،<sup>۱</sup> تخریب خطوط ارتباطی، ایستگاه‌ها یا سیستم‌ها<sup>۲</sup>. اما شاید بیشترین گستردگی جنایی از ارتکاب جنایات عادی به وضعیت تروریسم ارتقا یابد، شامل هر گونه اقدامی است که به طور مخرب خسارات وارد کند، یا تلاش برای آسیب رساندن یا نابودسازی، با استفاده از آتش‌سوزی یا مواد منفجره، در هر ساختمان یا وسیله نقلیه یا سایر اموال شخصی یا شخصی که در تجارت بین‌ایالتی یا

1. arson within special maritime and territorial jurisdiction  
2. destruction of communication lines, stations, or systems



خارجی یا در فعالیت‌هایی که بر تجارت بین‌ایالتی یا خارجی تأثیر می‌گذارد، استفاده می‌شود (Vanderheiden, 2005: 429).

این ضمیمه به قانون کیفری فدرال به طور خاص و عمداً شامل تخریب اکوتوریست‌ها در زرادخانه قانونی در جنگ علیه تروریسم، با جرم‌انگاری اقدامات مخربانه آنها و در نتیجه، به آزادی‌های مدنی مشکوک خرابکارها و همکاران آنها به شدت محدود شود.

با توجه به این مطالب دریافتیم که قانون خشونت علیه اموال را به عنوان تروریسم جرم‌انگاری می‌کند، اما پرسش بعدی آن است که آیا این امری مناسب است؟ اگر تعریفی که در بالا از تروریسم شد، را در نظر بگیریم، گروه‌هایی مانند ELF شایسته این عنوان است؛ زیرا تاریخچه تخریب اموال هر دو معنی‌دار و محاسبه شده است تا نتیجه سیاسی یا ایدئولوژیک تولید کند. به همین ترتیب، همانطور که ادارات مختلف ایالات متحده ادعا می‌کنند، خرابکاری خط لوله کلمبیا Occidental Petroleum به نظر می‌رسد نامزد مناسب برای «جنگ علیه تروریسم» باشد، همانطور که طالبان برای تخریب مجسمه‌های قرن‌ها استاد بودایی در افغانستان است. شاید بیشتر بحث‌برانگیز باشد، اما به وضوح تحت تعریف فوق قرار گرفته است. البته، هنگامی که در ارزیابی اخلاقی تروریسم مجاز باشیم که آسیب به منافع اموال معادل آسیب رساندن به افراد در نظر بگیریم، یکی از شیب‌های خطرناک شروع می‌شود، زیرا گسترش اولیه او به ناچار منجر به بی‌اهمیت شدن چیزی است که باید در میان جدی‌ترین اخلاقی‌های اخلاقی در ارتباط با جرایم بسیار جدی باشد.

### نتیجه‌گیری

رشد و گسترش بی‌رویه و یک‌سویه اقتصادی که اثرات ناشی از آن سبب تخریب وسیع محیط‌زیست در سطح داخلی کشورها و حتی در وسعت جهانی گردید، منتهی به پیدایش و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در دهه ۱۹۷۰ و بعد از آن گردید. بر همین اساس، متخصصان محیط‌زیست و فشار افکار عمومی بین‌المللی، دولتها را وادار کردند که نسبت به حفاظت محیط‌زیست جهانی با مسئولیت بیشتری رفتار نمایند. با نگاهی به نحوه شکل‌گیری و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در بیش از چهار دهه اخیر روشن است که توسعه



حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بیش از هر چیز مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های زیست‌محیطی بشر بوده است. در پاسخ به این نیازها و ضرورت‌ها، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلاش کرده است تا با تدوین قوانین و وضع مقررات بین‌المللی، دولت‌ها را پایبند به حفاظت از محیط‌زیست نماید. در حوزه حقوق داخلی نیز کشورهای چون آمریکا در برخی از ایالات خود به جرم‌انگاری اکوتوروریسم مبادرت ورزیده است. اینکه تخریب علیه اموال کاملاً جرم محسوب می‌شود، بحثی در آن نیست، لیکن چنانچه این تخریب با هدف حمایت از محیط‌زیست باشد، جرم‌انگاری این اقدامات تحت عنوان اکوتوروریسم فراهم شده است که البته، با توجه به فاصله محتوایی این اقدامات از تروریسم سنتی که مبتنی بر کشتار و هراس اشخاص است، این اقدامات علیه اموال چنانچه با هدف هراس اشخاص باشد، قابلیت جرم‌انگاری تحت عنوان اکوتوروریسم را دارد.

### تشکر و قدردانی

نگارندگان، از سردبیر محترم، اعضای هیأت تحریریه، داوران و مدیر اجرایی و ویراستاران محترم فصلنامه که کمال همکاری و راهنمایی در تنظیم نهایی این مقاله را داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.



منابع:

فارسی

- آبر کرامی، نیکلاس؛ هیل، استفن و برابال اس. ترنر (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش.
- پورهاشمی، سید عباس؛ ازغند، بهاره (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، انتشارات دادگستر.
- جفری، ام الیوت و رجینالد، رابرت (۱۳۷۴). فرهنگ اصطلاحات سیاسی استراتژیک، ترجمه میر حسن رئیس‌زاده، تهران، معین.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۸۰). *آنا‌رشیسم، اطلاعات سیاسی-اقتصادی* «شماره ۱۶۵ و ۱۶۶».
- ژان، پنتاتل (۱۳۴۵). *جرم‌شناسی*، ترجمه رضا علومی، تهران، امیرکبیر.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۰). *تروریسم در روابط بین‌الملل، چالشها و امیدها*، مجله راهبرد، شماره ۲۱.
- صادقی حقیقت، دیندخت (۱۳۸۱). *مروری اجمالی بر اقدامات مجمع عمومی و شورای امنیت در مقابله با تروریسم بین‌المللی*، مجله سیاسی اقتصادی، سال هفدهم، شماره سوم و چهارم.
- طاهرخانی، مصطفی (۱۳۹۵). *آنا‌رشیسم و نظم حقوقی بین‌المللی: مطالعه موردی اندیشه‌های نوام چامسکی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- ملک‌زاده، محمد (۱۳۹۵). *بازکاوی عوامل خشونت و تروریسم در جهان (با تأکید بر ریشه‌یابی تاریخی پدیده‌ی خشونت در غرب و نقش نظام سرمایه‌داری در گسترش این پدیده)*، سیاست «دوره چهل و ششم - شماره ۲».

لاتین:

- \_ bakounine (1965). **choix de textes**, ed.j.j.pauvert, paris.
- \_ Brown, Cady, (2007). "The New Terrorism Debate", *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, Vol. 6, No. 3 & 4, Full & Winter.
- \_ Carolyn Merchant, (2007). **American Environmental History: An Intro-**

duction, (New York: Columbia University Press), 194–209.

\_ Claridge, Dvaid, (1996). **state terrorism? Applying definitional model, terrorism and political violence**, vol 8, nom 3.

\_ Copeland, Thomas, (2001). **“Is the “New Terrorism” Really New?” An Analysis of the New Paradigm for Terrorism**”, Journal of Conflict Studies, Vol. XXI, NO. 2.

\_ Countering Eco-Terrorism in the United States: The Case of ‘Operation Backfire, (2012). **Final Report to the Science & Technology Directorate**, U.S. Department of Homeland Security, September 2012.

\_ Dara Lovitz, (2007). **Animal Lovers and Tree Huggers are the New Cold-Blooded Criminals?** Examining the Flaws of Ecoterrorism Bills, 3 J. ANIMAL L.

\_ Eddy, Ethan Carson (2005). **Privatizing the Patriot Act: The Criminalization of Environmental and Animal Protectionists as Terrorists**, 22 PACE ENVTL. L. REV.

\_ juergensmeyer, Mark, (2005). **“Religion”**, in: The Club de Madrid, Addressing the Causes of Terrorism, Madrid, Scholz & Friends.

\_ long, douglas , (2004). **library in a book ecoterrorism**, publication data.

\_ Melanie C. Cummings, David C. McGarvey, and Peter M. Vinch, (2006). **Homeland Security Risk Assessment**, vol. 1, Setting (Arlington, VA: Homeland Security Institute, 2, <http://www.homelandsecurity.org/hsireports/Risk%20Assessment%20Volume%201%20Setting.pd>.

\_ ronald takaki, (1993). **a different mirror: a history of multicultural america 98–105 U.N. Food & Agric. Org.** [FAO], Livestock, Env’t & Dev. Initiative [LEAD], Livestock’s Long Shadow: Environmental Issues and Options, xxi (2006) (prepared by Henning Steinfield et al.)

\_ Starkie, D. (1982). **The Motorway Age**, London: Pergamon.

\_ Vanderheiden, steve (2005). **eco-terrorism or justified resistance? Radical environmentalism and the “war on terror”**, politics & society, vol. 33 no. 3, September.

\_ Wall, Derek, (2002). **Earth First!** and the Anti-Roads Movement, Routledge publication.

